

## دین‌مداری و دنیاداری در نهج‌البلاغه

سوسن آل‌رسول\*

فاطمه مسجدی\*\*

### چکیده

دینا از جمله مقولاتی است که تفسیر و برداشت‌های مختلفی از آن شده است و درباره بهره‌مندی از آن، دیدگاه‌های افراطی و تفریطی وجود دارد. در مقاله حاضر، تحلیلی رابطه میان تدین و بهره‌مندی از دنیا با توجه به کلام امیرمؤمنان علی (ع) در نهج‌البلاغه مطالعه و بررسی شده است. آن حضرت (ع) از سویی با بیان ویژگی‌های مذموم دنیا و عواقب دنیاطلبی و از سوی دیگر با تأکید بر استفاده صحیح از دنیا، زندگی دنیوی انسان دین‌مدار را در مسیر حیات اخروی او می‌داند که این همان دنیاداری دین‌مدارانه است. راهکار دستیابی به این زندگی، زهد و شاخصه آن ارجحیت دین بر دنیا است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، نهج‌البلاغه، دین‌مداری، دنیاداری، زهد.

### ۱. مقدمه

نهج‌البلاغه مجموعه معتبری است که بررسی موضوعی در آن بیانگر دیدگاه حضرت علی (ع) در موضوعی خاص است. تبیین مفهوم و تعیین مصادیق دین‌مداری و دنیاداری از جمله موضوعات مهمی است که اصلاح نگرش و کنش مؤمنان را در پی دارد. مقصود از دین به معنای جامع و کامل، دین اسلام است؛ دینی که در کلام علوی برگزیده خدا است، جاودانی و جهانی است، در استدلال و اصول احکامش قوت دارد

\* دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج (نویسنده مسئول) s\_alerasoul@kiaou.ac.ir

\*\* کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج masjedi.fatemeh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۲۶

و در اجرا سهل است، و در هر سه حوزه اعتقادات، اخلاق و اعمال، با برنامه‌هایی فراگیر و کامل، سعادت مادی و معنوی بشر را تأمین می‌کند. چنین دینی قطعاً شایستگی محوریت دارد و می‌تواند مدار زندگی نوع بشر قرار گیرد. از طرف دیگر، دنیا از جمله مقولاتی است که تفسیر و برداشت‌های مختلفی از آن شده است تا بدان حد که برخی ارزش حداکثری به آن داده و در نتیجه به صرف همه نیروها در جهت کسب موهبت‌های دنیوی قائل‌اند. این گروه در واقع دنیاطلبان و دنیاپرستان‌اند که زندگی را به حیات دنیوی محدود و در نتیجه بهره‌گیری هر چه بیشتر از خوشی‌ها و لذت‌های دنیوی را هدف اعلا‌ی زندگی انسانی می‌دانند و معتقدند که انسانی کامل‌تر است که بیشتر و بهتر بتواند از امکانات مادی این عالم استفاده کند. عده‌ای، برعکس، ارزش حداقلی برای دنیا قائل شده‌اند که نتیجه‌اش کناره‌جویی از آن است. برای این افراد، دنیا ذاتاً پدیده‌ای مذموم و نکوهیده است که اگر به آن ارزش و اعتبار داده شود، آدمی را به سوی تباهی و فساد می‌کشاند. راه نجات و رسیدن به قلّه کمال و سعادت، فقط گریز از دنیا و بی‌توجهی به امور دنیوی است لذا برای گریز از دنیا به ریاضت‌های شاق و توان‌فرسا رو می‌آورند.

در نهج‌البلاغه، دیدگاه متعادلی درباره دنیا در کلام امیرالمؤمنین علی (ع) ارائه می‌شود که می‌تواند اصلاح نگرش و کنش مؤمنان را به دنبال داشته باشد. حضرت (ع) نه دنیاگرایی و دنیاپرستی را می‌پذیرند نه ترک دنیا و رهبانیت را توصیه می‌کنند. آنچه این نوشتار در پی بیان آن است، ارائه دیدگاه امیرالمؤمنین (ع) درباره دنیا و نحوه بهره‌مندی و ایجاد رابطه با آن است؛ زیرا ایشان در نهج‌البلاغه هر دو برداشت مذکور را رد و از یک سو با بیان ویژگی‌های مذموم دنیا و عواقب دنیاطلبی، ناپسندی رضایت به دنیا را بیان و از سوی دیگر تفکر ترک دنیا را نهی کرده‌اند.

## ۲. رد دنیاگرایی و دنیاطلبی در نهج‌البلاغه

از جمله مباحث نهج‌البلاغه، منع و تحذیر شدید حضرت علی (ع) از دنیاگرایی و دنیاپرستی است. با سیری در نهج‌البلاغه، هر خواننده‌ای متوجه حجم انبوهی از مطالب پیرامون مذمت دنیا و خصوصاً منع از دنیاپرستی می‌شود. علت این امر را می‌توان در دو حوزه شرایط خاص حاکم بر جامعه، و قباحت و ناپسندی رضایت به زندگی دنیوی محض بررسی کرد.

الف) شرایط خاص حاکم بر جامعه: در زمان خلافت حضرت علی (ع)، از آنجا که دامنه فتوحات عرب به ایران و روم و افریقا رسیده بود و عرب‌های چادرنشین با ملل متمدن ارتباط یافته و از آنها بسیار تأثیر پذیرفته بودند، احوال و اخلاق مسلمانان نیز تغییراتی کرده بود (مشایخ فریدنی، ۱۸). نتیجه این فتوحات، سرازیری مال و ثروت فراوان به جهان اسلام شد؛ ثروتی که به جای اینکه به مصارف عموم برسد و عادلانه تقسیم شود، غالباً در اختیار افراد و شخصیت‌های خاصی قرار گرفت. افرادی که تا چند سال پیش فاقد هرگونه ثروت و سرمایه‌ای بودند، صاحب ثروت بی‌حسابی شدند؛ و اینجا بود که دنیا کار خود را کرد و اخلاق امت اسلام به انحطاط گرایید (مطهری، ۲۵۸). با وجود چنین شرایطی، افکار اشراف‌سالاری و تعصبات جاهلی در میان اشراف عرب زنده شد.

ب) قباحت و ناپسندی رضایت به زندگی دنیوی محض: علاوه بر شرایط خاص حاکم بر آن زمان، بدون شک وجهه عامی نیز در این امر وجود دارد که همه اعصار و همه مردم را دربر می‌گیرد. این وجهه عام موجب شده است امیرالمؤمنین (ع) در نهج‌البلاغه بر منع از دنیاطلبی به شدت تأکید کنند. وجهه عام منع از دنیاطلبی، در ویژگی‌های مذموم دنیا و آثار و عواقب دنیاطلبی خلاصه می‌شود.

حضرت علی (ع) با بیان ویژگی‌های مذموم دنیا در نهج‌البلاغه، درصدد شناساندن دنیا با هدف برخورد معقول با آن و استفاده صحیح از آن است؛ چنان‌که از ایشان نقل است:

من صحت معرفته انصرفت عن العالم الفانی نفسه و همته. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ش: ۱۳۶)

کسی که معرفتش درست باشد، همّت خویش را از دنیای فانی برمی‌دارد.

## ۱.۲ پستی و بی‌ارزشی دنیا

امیرالمؤمنین علی (ع) در بسیاری از فرازهای نهج‌البلاغه، درباره حقارت دنیا سخن رانده تا پستی و بی‌ارزشی آن را به تصویر کشند. آن حضرت (ع) در خطبه سی‌ودوم نهج‌البلاغه، پس از بیان احوال روزگار و سرشاری آن از دشمن و ناسپاسی و بیان گروه‌بندی انسان‌ها در دنیا، مخاطبان را به توجه به پستی و بی‌ارزشی دنیا دعوت می‌فرماید:

فلتكن الدنيا في أعينكم أصغر من حنالة القرظ و قراضة الجلم. (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۷: خطبة ۳۲)  
پس باید دنیا در نظر شما از برگ درخت هم کمتر و کوچک‌تر و از خرده‌ریز پشمی هم پست‌تر باشد.

ایشان در فرازهای دیگری از نهج‌البلاغه، حقارت دنیا در نظر نبی مکرم اسلام (ص) و تشویق آن حضرت به جدایی از دنیاپرستی را بیان می‌فرمایند (از جمله نهج‌البلاغه، ۱۳۸۷ش: خطبه‌های ۱۰۹ و ۱۶۰) و نفرت و کوچکی دنیا را در چشمان مبارک خود بارها به تصویر می‌کشند (از جمله نهج‌البلاغه، ۱۳۸۷ش: خطبه ۳ و حکمت‌های ۲۲۴ و ۲۳۶).

## ۲.۲ فناپذیری و زودگذری دنیا

در فرازهای دیگر از نهج‌البلاغه، بر فناپذیری و زودگذربودن دنیا اشاره شده و اینکه زندگی دنیا، زندگی مادی مبتنی بر تحول و دگرگونی و دوام و بقای آن بر تغییر و زوال استوار است. امام علی (ع) مخصوصاً روی زودگذربودن دنیا و لزوم غنیمت‌شمردن فرصت عمر برای اندوختن عمل صالح پافشاری می‌کنند. (از جمله نهج‌البلاغه، ۱۳۸۷ش: خطبه ۴۵)

## ۳.۲ دنیا دار بلا و محنت

حضرت (ع) می‌فرمایند:

ما أصف من دار أولها عناءٌ و آخرها فناءٌ. (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۷ش: خطبه ۸۲)  
چگونه توصیف کنم جهانی را که اول آن رنج و آخر آن نابودی است؟

دنیا سرایی است که بلاها آن را فرا گرفته است (همان، خطبه ۲۲۶). قطعاً تحمل درد و رنج‌های آغازین زندگی تا سرانجام پیری چنین دنیایی، بدون توجه به سرای دیگر غیر قابل تحمل است و زندگی دنیاطلبان را با تلخی همراه خواهد کرد و شایستگی زندگی دنیوی محض را برای دنیاطلبی از میان خواهد برد. دنیایی که صلاحیت بی‌نیازساختن بشر در تأمین خواسته‌های انسان را ندارد (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۷ش: نامه ۴۹)، قطعاً نمی‌تواند محور زندگی بشر قرار گیرد و زندگی طبیعی

محض نمی‌تواند انسان را به سعادت و کمال رساند.

## ۴.۲ آثار و عواقب دنیاطلبی

همان‌گونه که اشاره شد، آثار و عواقب دنیاطلبی و بیان آنها در *نهج البلاغه*، دلیل دیگری بر منع شدید حضرت علی (ع) از دنیاگرایی در حوزه و جهت عام است. این آثار در *نهج البلاغه* در موارد زیر بیان شده است:

الف) دوستی و علاقه به دنیا، دشمنی با آخرت را در پی دارد؛ چراکه دنیای حرام و آخرت دو راه جدا از هم هستند و رونده به سوی آن دو، هرگاه به یکی نزدیک شود، از دیگری دور می‌شود (— *نهج البلاغه*، ۱۳۸۷ ش: حکمت ۱۰۳)؛ یعنی حداقل نتیجه پرداختن به دنیا برای دنیا، غفلت از آخرت است، چنان‌که امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرمایند:

النَّاسُ فِي الدُّنْيَا عَامِلَانُ عَامِلٌ عَمَلٌ فِي الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا قَدْ شَغَلَتْهُ دُنْيَاهُ عَنْ آخِرَتِهِ. (*نهج البلاغه*، ۱۳۸۷ ش: حکمت ۲۶۹)

مردم در دنیا دو دسته‌اند: یکی آن کس که در دنیا برای دنیا کار کند و دنیا او را از آخرتش باز دارد.

ب) از عواقب دیگر دنیاپرستی، استفاده از دین برای رسیدن به دنیا است. دنیاطلبان و دنیاپرستان اگر از دین سخن می‌گویند و به مظاهر دین تظاهر می‌کنند، قطعاً برای کسب دنیا و توجیه دنیاگرایی آنها است؛ چراکه غرض اصلی آنها دنیا است و آن‌ها دین را راه رسیدن به دنیا می‌دانند. حضرت علی (ع) هنگامی که عمار یاسر با مغیره بحث می‌کرد، به عمار فرمودند:

ای عمار! مغیره را رها کن زیرا او از دین به مقداری که او را به دنیا نزدیک کند برگرفته است. (همان، حکمت ۴۰۵)

و نیز:

و منهم من يطلب الدنيا بعمل الآخرة. (همان، خطبة ۳۲)

و:

و يحتلبون الدنيا درها بالدين. (همان، نامه ۳۳)

ج) از دیگر عواقب دنیاطلبی در منظر امیرالمؤمنین (ع)، جدال میان دنیاطلبان برای تصاحب دنیا است؛ چراکه در نگاه اینان، دنیا برای خود دنیا است و از سوی دیگر دار تزام و تعان است، یعنی بهره‌دنیوی به گونه‌ای است که نمی‌تواند از آن دو نفر باشد، لذا میان دنیاطلبان که دنیا نزد آنان مطلوب بالذات است مسابقه‌ای جدی برای تصاحب آن درمی‌گیرد. امیرالمؤمنین (ع) در وصف اهل دنیا فرمودند:

اینان چون سگ‌های درنده عووکنان برای دریدن صید در شتابند؛ برخی به برخی دیگر هجوم آورند و نیرومندان ناتوان را می‌خورد و بزرگ‌ترها، کوچک‌ترها را. (همان، نامه ۳۱)

د) نتیجه دیگری که این جدال در پی دارد، ازبین‌رفتن روح فداکاری، عشق و خیراندیشی در روابط است؛ چراکه کوشش دنیاگرایان همواره در جهت جلب منافع مادی است و در چنین اندیشه‌ای، فداکاری و خیراندیشی و عشق به دیگران واژه‌هایی بی‌معنا خواهد بود.

ه) تشویش، پریشانی، سرگردانی همراه با اضطراب دائمی، و ضعف درمقابل مشکلات و ناگواری‌های زندگی، از دیگر عواقب دنیاطلبی است؛ چراکه دنیاطلبان به دنیایی تکیه کرده‌اند که صلاحیت و شایستگی این اعتماد را ندارد، فانی و ازبین‌رفتنی است، و اعتماد به دنیا با دگرگونی‌ها و حوادث تلخ آن، که هر روز مشاهده می‌شود، از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع) جهل و نادانی است. (خوانساری، ۱۳۶۶ ش: ۲/۱۱۶)

حضرت امیر (ع) در نهج‌البلاغه، در توصیف این سرگردانی و تشویش، دنیاطلبان را به چهارپایانی تشبیه فرموده‌اند که برخی پای بسته و برخی در بیابان رها شده و راه را گم کرده‌اند و در جاده تاریکی در حرکت‌اند و در وادی پر از آفت‌ها و در شنزاری که حرکت در آن با کندی صورت می‌گیرد، گرفتارند؛ نه چوپانی دارند که به کارشان برسد و نه چراننده‌ای که به چراگاهشان ببرد، به گونه‌ای که در بیراهه سرگردان شده‌اند. (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۷ ش: نامه ۳۱)

و) علم دنیاطلبان، علمی نابالغ است؛ چراکه اینان جز دنیا چیزی را نمی‌نگرند پس در حدّ حس یا خیال می‌اندیشند و اندیشه خود را تا قلّة عقل اوج نمی‌دهند تا به هدف معقول که آن سوی نشئت طبیعت است، پرواز کند و به معرفت نفس، معرفت عقل و در نهایت معرفت آن‌سوی عالم طبیعت نائل شود، پس برای همیشه از معرفت حقیقی

محروم می‌مانند و مبلغ اندکی (النجم / ۲۹ - ۳۰) از علم را کسب می‌کنند: «و إِنْما الدِّنيا منتهى بصر الأعمى» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۷ ش: خطبه ۱۳۳)

آنچه بیان شد، علل منع دنیاگرایی و نفی دنیا‌داری به معنای دنیاپرستی از نظرگاه امیرالمؤمنین (ع) است. آن حضرت (ع) همواره با اقدامات عملی و نظری خود با این تفکر مخالفت کرده‌اند. بیان ویژگی‌های مذموم دنیا، عواقب دنیاطلبی و عبرت‌آموزی از گذشتگان (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۷ ش: خطبه‌های ۱۱۱ و ۱۸۲)، ذکر نمونه‌هایی از زندگی حضرت رسول اکرم (ص) (همان، خطبه ۱۰۶)، حذف حاکمان و فرمانروایان دنیاپرست از منصب‌های سیاسی (رسولی محلاتی، ۱۴۰۵ ق: ۱ / ۴۰۷)، بازگرداندن حقوق ضایع شده (جورداق، ۱۳۷۷ ش: ۶۳)، برقراری عدالت در تقسیم مواهب دنیوی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ ش: ۱۲ / ۳۹۲) و سیره ایشان در بهره‌مندی منافع دنیوی (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۷ ش: خطبه‌های ۱۲۸ و ۲۲۴، و حکمت ۷۷؛ نیز ← هاشمی خوئی، ۱۳۵۸ ش: ۲۱ / ۱۱۳)، همگی بیانگر این واقعیت است که دنیاپرستی و دنیاطلبی هرگز در دیدگاه امیرالمؤمنین (ع) جایی نداشته است.

### ۳. رد رهبانیت و ترک دنیا در نهج‌البلاغه

گروهی گمان کرده‌اند امیرالمؤمنین (ع) با ترک دنیا موافق بوده‌اند. با مطالعه سیره حضرت علی (ع) و گذری بر نهج‌البلاغه، نظریه این گروه رد می‌شود:

امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، «عاصم بن زیاد» را به سختی ملامت می‌کنند (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۷ ش: خطبه ۲۰۹)؛ چراکه او دنیا را ترک و ارتباط و پیوند خود را با اجتماع قطع کرده بود، لباس‌های خشن می‌پوشید و فقط عبادت می‌کرد و کار و فعالیت انجام نمی‌داد. امیرالمؤمنین (ع) نه تنها پیروان خود را از گوشه‌نشینی نهی کرده‌اند، بلکه همواره به اهمیت حضور در اجتماع و جمع‌گرایی و تعاون ارشاد فرموده‌اند. (همان، خطبه ۱۲۷)

البته در برخی سخنان امام علی (ع) گمان به دعوت به گوشه‌گیری از اجتماع و انزواطلبی می‌رود؛ اما باید دانست که مراد از اعراض از دنیا در بیان امیرالمؤمنین (ع) هرگز ترک دنیا و دوری از اجتماع به معنای جدایی مطلق از آنها نیست، بلکه مقصود یکی از موارد زیر است:

### ۱.۳ عبور از ظاهر دنیا برای رسیدن به حقیقت والای آن

در برخی فرازهای نهج‌البلاغه، تأکید صریح بر ترک دنیا به چشم می‌خورد؛ از جمله: «عبداللّه اوصیکم بالرّفص لهذّه الدّنیّا التّارکة لکم» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۷ ش: خطبة ۹۹). در این موارد، مقصود از اعراض از دنیا این است که انسان دنیای طبیعی و مادی محض را رها کند، و هدف اعلاّی جان‌گرا نبهای خویش را از این دنیا — که عبارت است از برقراری ارتباط میان مابین خود طبیعی و یک مشت ماده و مادیات ناآگاه — نجوید، بلکه از آن دنیا بجوید که خرد و وجدان و نمایندگان راستین و فیاض مطلق به‌وجود آوردنش را به ما توصیه می‌کنند و دستور می‌دهند (جعفری، ۱۳۷۷ ش: ۱۸/۱۴).

### ۲.۳ عدم وابستگی به متاع دنیا

حضرت علی (ع) از مردم می‌خواهند در کنار زندگی در دنیا و بهره‌مندی از متاع آن و دادوستد و خرید و فروش، همواره به یاد خدا باشند. پس در این موارد، مفهوم اعراض از دنیا در بیان آن حضرت (ع) می‌تواند به معنای عدم وابستگی به متاع در عین بهره‌مندی از آن؛ از جمله: «و إنّ للذّکر لأهلاً أخذوه من الدّنیّا بدلاً فلم تشغلهم تجارةً و لا بیعٌ عنه یقطعون به آیام الحیاة ... فکانما قطعوا الدّنیّا إلی الآخرة و هم فیها» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۷ ش: خطبة ۲۲۲).

### ۳.۳ عدم وابستگی معنوی به اجتماع

حضرت علی (ع) به حضور در اجتماع اهمیت زیادی می‌داده و درباره‌ی تعاون و همکاری در اجتماع سخنان ارزشمندی ایراد فرموده‌اند. اما باید توجه داشت که هر جامعه‌ای نمی‌تواند نیازهای معنوی انسان را تأمین کند؛ و بسیاری از جوامع فقط در تأمین نیازهای مادی مفید هستند. از نظر امام علی (ع)، رفع نیازهای مادی جامعه باید مقدمه‌ای برای وصول به اهداف دینی و نیل به تکامل معنوی باشد؛ به عبارت دیگر، رفع نیازهای مادی هدف نهایی جامعه اسلامی نیست (ناظمی هرندی، ۱۳۷۹ ش: ۲۶۵). در این‌گونه موارد است که حضرت (ع) به جدایی مسلمانان از افکار و روحیات مردم جامعه دستور می‌دهند و می‌فرمایند:



خالطوا النَّاسَ بِاللِّسَنَةِ وَالْأَبْدَانِ وَزَابِلِهِمْ بِالْقُلُوبِ وَالْأَعْمَالِ. (کاشف الغطاء، بی تا: ۱۰۲)  
با مردم با بدن‌ها و زبان‌هایتان معاشرت کنید و در قلب‌ها و عمل‌هایتان (افکار و اعمال) خود از آنها دوری کنید!

### ۴.۳ اجتناب از ریا و خودنمایی

از برخی از گفتارهای امام علی (ع) چنین استنباط می‌شود که آن حضرت (ع) برای دوری از ریا و تظاهر و خودنمایی دستور دوری از شهرت و گمنام‌بودن افراد را داده‌اند؛ لذا گوشه‌گیری به معنای قطع همکاری و قطع روابط اجتماعی نیست، بلکه هدف، انجام اعمال به نحوی است که در بین مردم مشهور نشود تا از نتایج سوء شهرت در امان باشند. حضرت علی (ع) می‌فرمایند:

تَبَدَّلْ وَلَا تَشْهَرْ وَارْ شَخْصَكَ وَلَا تَذْكَرْ وَتَعَلَّمْ وَاعْمَلْ وَاسْكُتْ تَسْلَمُ تَسْرًا لِأَبْرَارٍ وَتَغِيظُ الْفَجَّارِ  
و لا عليك إذا عرفك الله دينه أن لا تعرف الناس و لا يعرفوك.

بخشش کن ولی مشهور نشو! خود را پنهان کن و در خاطره‌ها نینداز! علم بیاموز و عمل کن! ساکت باش تا سالم بمانی! نیکان را مسرور کن و تبهاران را به خشم آور! اگر خداوند دینش را به تو بشناساند، دیگر چه باک است که نه تو مردم را بشناسی نه مردم تو را بشناسند؟

### ۵.۳ مخاطبان خاص

در مورد بعضی از اوامر حضرت (ع) باید توجه داشت که در واقع آنها مربوط به مخاطبان خاصی است که کلام درباره آنان صادر شده است نه همه مردم؛ برای مثال، امام علی (ع) در مورد کمیل بن زیاد، متناسب با حالات روحی خاصی که در او می‌شناختند، دستورهایی برای رشد و تعالی بیشتر او صادر کرده‌اند که منحصر به خود کمیل (و مشابه او) است. در مجموع باید گفت دستور به شرکت در اجتماع و تعاون و ضرورت بهره‌مندی از متاع دنیا دستور عام است؛ اما امر به اعراض از دنیا و ترک اجتماع، به افرادی خاص و در شرایط خاص منحصر است.

### ۴. دنیاداری دین‌مدارانه

امیرالمؤمنین علی (ع) تأکید می‌فرمایند که هر کس با دیده بصیرت به دنیا نگاه کند، دنیا

به او آگاهی می‌بخشد: «و من أبصر بها بصّرته» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۷ ش: خطبه ۸۲). آگاهی‌بخشی دنیا از آن جهت است که ویژگی‌های دنیا در چشم انسان عیان می‌شود و انسان درمی‌یابد که «إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ صَدَقٍ لِمَنْ صَدَقَهَا» (همان، حکمت ۱۳۱) (همانا دنیا سرای راستی برای راستگویان است). خانه‌ی راستی بودن دنیا به این اعتبار است که دنیا احوال خود را از بی‌وفایی، تغییرات، تبدیلات و جداسدن غم و اندوه و امثال اینها راست می‌گوید و اگر انسان دید بصیرتی داشته باشد، دنیا راه‌گشا و راهنمای او است (خوانساری، ۱۳۶۶ ش: ۲/۶۵۳)؛ چراکه نگاه انسان آگاه، بنا به فرمایش امیرالمؤمنین (ع)، از دنیا عبور می‌کند:

والبصير ينفذها بصره و يعلم أنّ الدّار وراءها فالبصير منها شاخصٌ والأعمى إليها شاخصٌ.  
(نهج‌البلاغه، ۱۳۸۷ ش: خطبه ۱۳۳)

انسان آگاه نگاهش از دنیا عبور می‌کند و از پس آن، سرای جاویدان آخرت را می‌بیند. پس انسان آگاه به دنیا دل نمی‌بندد و انسان کوردل همه‌توجهش به دنیا است.

انسان متدین بصیر، بعد از فهم ویژگی‌های مذموم دنیا و آثار و عواقب دنیاطلبی، هرگز به سمت دنیاگرایی محض تمایل پیدا نمی‌کند اما خوب می‌داند که دنیا سرای توشه‌برداشتن و آزمون است؛ بنا به فرمایش امیرالمؤمنین (ع):

و لنعم دار من لم يرض بها داراً. (همان، خطبه ۲۳۳)

دنیا چه خوب خانه‌ای است برای آن‌کس که آن را جاودانه نپندارد.

اگر انسان بفهمد که دنیا راه است و انسان رهرو و عابر، آنگاه پویا می‌شود؛ اما اگر پنداشت دنیا وطن است، ایستا می‌شود. انسان دین‌مدار می‌داند که دنیا سرای توشه‌برداشتن است و هدف جایی دیگر است. در نگاه امیر مؤمنان (ع)، بودن در دنیا و استفاده از نعمت‌ها و موهبت‌های دنیوی باید بدون دلبستگی به آنها و براساس جهت‌دار بودن حرکت انسان در دنیا باشد. حرکت انسانی که تحت تعلیمات علوی دنیاداری متعادلی را اتخاذ کرده، در جهت کسب آمادگی برای نیل به سلامت اخروی است. حضرت علی (ع) می‌فرمایند:

ألا و إنّ اليوم المضمّار و غداً السّباق و السّبقة الجنّة و الغایة النّار. (همان، خطبه ۲۸)

آگاه باشید که امروز روز تمرین و آمادگی و فردا روز مسابقه است؛ پاداش برندگان بهشت و کیفر عقب‌ماندگان آتش است.

دنیا برای آدمی میدان مسابقه در خیرات و کمالات است. واژه «مسابقه» در اینجا به آن معنای معمول و رایج در میان مردم نیست که با تحریک حس رقابت صورت می‌گیرد، بلکه منظور این است که هشیاران زنده و هدفدار با مشاهده عظمت و کمال رهروان منزلگه حقیقت به هیجان و تکاپو وادار می‌شوند و خود را اعضایی از آن کاروان تلقی می‌کنند. به این موضوع، در آیاتی از قرآن کریم اشاره شده است؛ از جمله:

سابقوا إلى مغفرة من ربكم ... (الحديد / ۲۱)

سبقت جوئید (برای رسیدن) به آمرزشی از پروردگارتان ...

أولئك يسارعون في الخيرات و هم لها سابقون. (المؤمنون / ۶۱)

آنانند که در کارهای نیک شتاب می‌کنند و آنانند که در انجام آنها سبقت می‌جویند.

برای افرادی این چنین، دنیا عین آخرت می‌شود؛ یعنی اگر در دنیا نیز دنبال مال و مقام و ... باشند، آنها را به عنوان وسیله‌ای برای اهداف بلند اخروی خواهان‌اند. پس گرچه نمودهای زندگی آنها مادی و دنیوی است، حقیقت و مغز باطنی زندگی آنها حیات اخروی و حقیقتی معنوی است.

هنگامی که بی‌گناهی حضرت یوسف (ع) به اثبات رسید، آن حضرت (ع) بزرگ‌ترین مقام دنیا را خواست:

قال اجعلني على خزائن الأرض إني حفيظٌ علمي. (يوسف / ۵۵)

[یوسف (ع)] گفت: خزینه‌های این سرزمین را به من بسپار که من نگهدار و دانایم.

این درخواست حضرت یوسف (ع) به این منظور بود که امور مالی کشور و ارزاق را به مباشرت خود اداره کند: ارزاق را جمع‌آوری کند و برای سال‌های بعد که قهراً سال‌های قحطی خواهد بود و مردم دچار گرانی و گرسنگی خواهند شد، ذخیره و خودش با دست خویش آن ذخیره‌ها را میان مردم تقسیم کند و به هر یک از آنها، آن مقداری که استحقاق دارد، بدهد و از حیف و میل جلوگیری کند. بنابراین، حضرت یوسف (ع) این مقام را برای هدف‌های معنوی و الهی درخواست کرد، و لذا دنیا برایش عین آخرت است.

امیرالمؤمنین (ع) خطاب به علاء بن زیاد حارثی که خانه بزرگی ساخته بود، فرمودند:

ما كنت تصنع بسعة هذه الدار في الدنيا و أنت إليها في الآخرة كنت أحوج و بلى إن شئت بلغت بها الآخرة تقرى فيها الضيف و تصل فيها الرحم و تطلع منها الحقوق مطالعها فإذا أنت قد بلغت بها الآخرة. (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۷ ش: خطبة ۲۰۹)

با این خانه وسیع در دنیا چه می‌کنی، درحالی‌که در آخرت به آن نیازمندتری! آری؛ اگر بخواهی، می‌توانی با همین خانه به آخرت برسی! در این خانه وسیع، از مهمانان پذیرایی کنی، با خویشاوندان با نیکوکاری بیبندی و حقوقی که بر گردن تو است، به صاحبان حق برسانی؛ پس آنگاه با همین خانه وسیع نیز می‌توانی به آخرت برسی.

بنابراین، زندگی دنیوی انسان دین‌مدار — که دین را محور زندگی خویش قرار داده است — در مسیر حیات اخروی او قرار می‌گیرد و این همان دنیاداری دین‌مدارانه است. و این همان نوع زندگی است که پیامبران الهی و حکمای راستین برای بشریت عرضه و تبلیغ می‌کنند. پیامبران الهی و حکمای راستین با نظر به واقعیت‌های دو قلمرو انسان و جهان، زندگی را حقیقتی بسیار عالی و باعظمت معرفی می‌کنند و این پدیده را قابل ترقی و اعتلا تا منطقه جاذبه ربوبی می‌دانند. از دیدگاه آنان، اگر این حقیقت عظمی با دوبرال معرفت و عمل سازنده به پرواز درآید و از آلودگی‌های گوناگون طبیعت حیوانی آزاد شود، در مسیر حیات اخروی قرار می‌گیرد و «حیات معقول» نامیده می‌شود. این است آن زندگی که هرچه در دنیا بگیرد، بدان جهت که در پالایشگاه عقل و وجدان آن را تصفیه و به «حیات معقول» تحویل می‌کند، به عنوان اندوخته‌های پایدار روح در ابدیت، سعادت و نجات ابدی را تضمین می‌کند.

راهکار دستیابی به چنین زندگی از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع) زهد است؛ زیرا دنیاداری او به نحوی است که دنیا را در حد یک راه تعبیر می‌کند و نگاهش به دنیا از مجرای زهد است و دنیاداری زاهدانه را برمی‌گزیند:

أيتها الناس انظروا إلى الدنيا نظر الزاهدین فيها. (همان، خطبة ۱۰۳)

ای مردم! به دنیا همچون زاهدان بنگرید.

زهد به معنای حقیقی آن در کلام امیرالمؤمنین (ع)، عدم تعلق و دلبستگی به دنیا و متاع آن است و هرگز به معنای ترک بهره‌وری از نعمت‌های خدای متعال نیست (شوشتری، ۱۳۷۶ ش: ۹/ ۴۴۰). آن حضرت (ع) در توصیف زاهدان، به دیدگاه متعادل آنها درباره دنیا اشاره می‌کنند:

كانوا قوماً من أهل الدنيا و ليسوا من أهلها فكانوا فيها كمن ليس منها عملوا فيها بما يبصرون و بادروا فيها ما يحذرون تقلب أبدانهم بين ظهرائي أهل الآخرة و يرون أهل الدنيا يعظمون موت أجسادهم و هم أشد إعتاماً لموت قلوب أحيائهم. (نهج البلاغه، ۱۳۸۷ ش: خطبة ۲۳۰)

زاهدان گروهی از مردم دنیا‌بند که دنیاپرست نیستند؛ پس در دنیا زندگی می‌کنند اما آلودگی دنیاپرستان را ندارند، در دنیا با آگاهی و بصیرت عمل می‌کنند و در ترک زشتی‌ها از همه پیشی می‌گیرند، بدن‌هایشان به گونه‌ای در تلاش و حرکت است که گویا میان مردم آخرت‌اند، اهل دنیا را می‌نگرند که مرگ بدن‌ها را بزرگ می‌شمارند اما آنها مرگ دل‌های زندگان را بزرگ‌تر می‌دانند.

بنابراین، زاهدان گروهی هستند که نگاه متعادلی به دنیا دارند؛ یعنی نه دنیا را ترک کرده‌اند و نه به دنیاپرستی آلوده شده‌اند. اینان با نگاهی متعادل به دنیا در پی استفاده از دنیا و فرصت‌های آن جهت وصول به اهداف عالیة اخروی هستند.

در فلسفه اسلام هیچ مانعی ندارد که شخص زاهد ثروتی داشته باشد که از آن به نفع مردم استفاده کند؛ در حالی که اگر سرمایه بسیار کمی داشته باشد و در آن چنین فرو رود که از دیگران غافل بماند، دنیاپرست است. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۸ ق: ۵۳)

## ۵. ارجحیت دین بر دنیا

انسان گاه در امور دنیوی و زندگی مادی خویش با دو یا چند پدیده برخورد می‌کند که ناچار است از میان آنها یکی را انتخاب کند. در این شرایط، با قدرت تفکر و اندیشه خویش تحلیل می‌کند و آنچه را که به حالش سودمندتر است، برمی‌گزیند؛ و این سیره‌ای است که همه خردمندان بدان پایبندند. اما هنگامی که بین امور دینی و دنیوی تعارض پدید می‌آید، آیات و احادیث ما را به تقدیم داشتن و برگزیدن دین و امور معنوی بر مسائل مادی فرا می‌خوانند و از بذل مال و جان برای حفظ دین و تقدم آن بر هر چیز سخن می‌رانند و یادآور می‌شوند که اگر استوانه دیتان را نگاه دارید و آن را از دست ندهید، هیچ چیز متوجه آن نخواهد شد، ولی اگر دین را از دست دهید، هیچ یک از امور دنیوی و مسائل مادی نمی‌تواند جایگزین آن شود.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

يا علي! أوصيك في نفسك بخصالٍ فاحفظها ... والخامسة بذلك مالك و دمك دون دينك. (صدوق، ۱۴۰۴ ق: ۱۸۹ / ۴)

علی! تو را به پنج خصلت سفارش می‌کنم. آنها را به کار گیر و بر آنها محافظت کن ... و پنجم آنکه مال و ثروت و جانت را فدای دینت کنی.

امام علی (ع) می‌فرماید:

فإذا حضرت بليّةً فاجعلوا أموالكم دون أنفسكم و إذا نزلت نازلةً فاجعلوا أنفسكم دون دينكم واعلموا أنّ الهالك من هلك دينه والحريب من حرب دينه. (ورام بن ابی فراس، بی تا: ۲/ ۲۰۲) چون بلایی فرارسد، اموال خود را سپر جانتان سازید و چون حادثه‌ای پیش آید (که به امور دین مربوط است و جز با دادن جان مرتفع نشود)، جان خود را فدای دیتان کنید و بدانید که هلاک‌شده کسی است که دینش تباه شود و غارت‌زده کسی است که دینش را برابند.

تابع بودن دنیا و متبوع بودن دین، با تعبیرات و عبارات گوناگون از زبان ائمه (ع) بیان شده است:

امام علی (ع) می‌فرماید:

من جعل ملكه خادماً لدينه انقاد له كل سلطان و من جعل دينه خادماً لملكه طمع فيه كل إنسان. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ش: ۳۴۴)

آن‌کس که ثروت و امکانات خویش را در خدمت دینش درآورد، هر سلطانی برابرش متقاد می‌شود و اگر کسی دین خویش را خادم و تابع دنیا و ثروتش قرار دهد، هر کسی به او طمع می‌کند و به خدمت هر کسی درخواهد آمد.

إن جعلت دينك تبعاً لدينك أهلكت دينك و دنياك و كنت في الآخرة من الخاسرين. (همان، ص ۱۳۰)

اگر دین خویش را تابع و پیرو دنیایت قرار دهی، دین و دنیایت را تباه کردی و در آخرت هم جزو زیانکاران خواهی بود.

إن جعلت دنياك تبعاً لدينك أحرزت دينك و دنياك و كنت في الآخرة من الفائزين. (همان، ص ۸۵)

اگر دنیایت را دنباله‌رو و تابع دینت قرار دادی، هم دین و هم دنیایت را حفظ کردی و در آخرت هم از رستگاران خواهی بود.

حصّنوا الدّين بالدّنيا و لا تحصّنوا الدّنيا بالدّين. (همان)

دین را با دنیا محافظت کنید و دنیا را سپر و دژ دین قرار دهید؛ نه اینکه با دین از دنیای خود محافظت کنید.

ألا و إنه لا يضركم تضييع شيء من دنياكم بعد حفظكم قائمة دينكم ألا و إنه لا ينفعكم بعد تضييع دينكم شيء حافظتم عليه من أمر دنياكم. (نهج البلاغه، ۱۳۸۷ ش: خطبة ۱۷۳)

زنهار که اگر شما از استوانه دین خویش به نیکی پاسداری کنید، در این راه هر چه از دنیایتان ضایع شود زیانی به شما نرساند، اما اگر دین خویش را تباه کردید، هر چه از دنیا که نگه دارید سودی برایتان نخواهد داشت.

برطبق همین فرامین است که ارجحیت دین بر دنیا در زندگی دین‌مداران دنیادار ظهور و بروز می‌کند و در صورت هرگونه تعارضی میان این دو، دستورات دینی و شرعی تقدم می‌یابد چراکه هدف از زندگی دنیوی، نیل به اهداف عالیة اخروی است.

حضرت علی (ع) در بیانات ارزشمند خویش در کتاب گرانبهای نهج البلاغه، برنامه‌ای دقیق و صحیح برای زندگی هر مسلمانی ارائه می‌دهند. بنابراین، زندگی دنیاداران دین‌مدار که رهبری چون امیرالمؤمنین (ع) دارند، نظم و برنامه‌ریزی دقیق و صحیحی دارد که برگرفته از همین الگوی ارائه شده است. با اجرای این برنامه، اتلاف وقت از زندگی اینان رخت برمی‌بندد، آنگاه آنان نه تنها عمر گرانمایه خود را به بطالت و غفلت و سهل‌انگاری سپری نمی‌کنند، بلکه همواره در جهت استفاده صحیح و بهینه از امکانات و فرصت‌ها می‌کوشند.

حضرت علی (ع) می‌فرمایند:

للمؤمن ثلاث ساعاتٍ فساعةٌ بناجی فیها ربّه و ساعةٌ یرمّ معاشه و ساعةٌ یخْلِی بین نفسه و بین لذّتها فیما یحلّ و یجمل و لیس للعاقل أن یكون شاخصاً إلّا فی ثلاثٍ مرّةٍ لمعاشٍ أو خطوةٍ فی معادٍ أو لذّةٍ فی غیر محرّم. (همان، حکمت ۳۹۰)

مؤمن باید شبانه‌روز خود را به سه قسمت تقسیم کند: زمانی برای نیایش و عبادت پروردگار، زمانی برای تأمین هزینه‌های زندگی، و زمانی برای واداشتن نفس به لذت‌هایی که حلال و زیبا است. خردمند را نشاید جز آنکه در پی سه چیز حرکت کند: کسب حلال برای تأمین زندگی، یا گام‌نهادن در راه آخرت، یا به دست آوردن لذت‌های حلال.

براساس این برنامه، هشت ساعت از شبانه‌روز باید صرف عبادت و مناجات پروردگار شود و آن اعم از اموری چون نماز و تلاوت قرآن و ذکر و دعا و غیره است و عبادت‌هایی چون دستگیری و کمک در کارهای اجتماعی خیر و غیره را نیز شامل می‌شود.

همچنین، بر طبق این برنامه، هشت ساعت از شبانه‌روز را باید به کار و تلاش برای تأمین هزینه‌های زندگی اختصاص داد؛ «همان گونه که در همهٔ ملل در عصر حاضر در قانون برای کار و کارگران همین هشت ساعت قرار داده شده است» (هاشمی خوئی، ۱۳۵۸ ش: ۲۱ / ۴۷۹). در تعالیم دین ما، انسان‌ها همواره به کار و تلاش تشویق و از بیکاری نهی شده‌اند، تا جایی که کار و کوشش فریضه‌ای واجب اعلام شده است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند:

طلب‌الحلال واجب علی کل مسلم. (خرمشاهی و انصاری، ۱۳۷۶ ش: ۶۳۴)  
تلاش برای به‌دست آوردن مال حلال بر هر مسلمانی واجب است.

همچنین می‌فرمایند:

طلب‌الحلال جهاده. (همان)

کسب حلال، جهاد به‌شمار می‌آید.

رسول گرامی اسلام (ص) جهت تشویق مردم به کار و تلاش می‌فرمودند:

إنَّ اللهَ يحبُّ المحرِّفَ. (مشکینی، ۱۴۲۴ق: ۶۰)

خداوند شخص دارای حرفه را دوست دارد.

همان گونه که عنوان شد، در تعالیم اسلامی انسان همواره از بیکاری نهی شده است، حتی اگر دست‌کشیدن از کار برای انجام عبادت خداوند باشد. در روایات آمده است:

یکی از یاران امام صادق (ع)، تجارت و کسب و کار خود را به قصد عبادت رها کرده بود. امام صادق (ع) به او فرمودند:

أَنَّ تَارَكَ الطَّلَبِ لَا يَسْتَجَابُ لَهُ دَعْوَتِ. (فلسفی، ۱۳۶۸ ش: ۲۱۹ / ۱)

کسی که دست از کار بکشد، در پیشگاه الهی دعای مستجاب ندارد.

در حدیث دیگری آمده است:

امام صادق (ع) از احوال مردی جويا شدند؛ در جوابش گفتند: نیازمند شده است؛ فرمودند: حالا چه می‌کند؟ گفتند: پروردگار خویش را عبادت می‌کند. امام (ع) پرسید: روزی خود را از کجا به‌دست می‌آورد؟ گفتند: از بعضی از برادران. امام (ع) فرمودند: به‌خدا سوگند، آن‌کس که به او روزی می‌رساند، عابدتر از او است. (حکیمی، ۱۳۸۰)



ش: ۳ / ۲۷۲)

و بالاخره، براساس این برنامه، هشت ساعت از شبانه‌روز به استراحت و تفریحات سالم اختصاص دارد؛ «و این زمان همان مقدار است که در نزد پزشکان برای این امر ثابت شده است» (هاشمی خوئی، ۱۳۵۸ ش: ۲۱ / ۴۷۹) و به‌منظور تأمین نیازهای جسمی و روحی است. بخشی از این زمان، همان استراحت و خوابیدن و تغذیه است که نیاز جسم را برای زدودن خستگی و تأمین مواد غذایی برطرف می‌کند و بخشی از آن، لذت‌بردن از نعمت‌های حلالی است که موجب رفع نیازهای روحی در انسان می‌شود.

امام رضا (ع) می‌فرماید:

اجعلوا لأنفسکم حظاً من الدنیا بإعطائها ما تشتهی من الحلال و ما لایئلم المروءة و ما لاسرف فیه واستعینوا بذلك علی أمور الدنیا. (مجلسی، بی‌تا: ۳۴۶ / ۷۵؛ حکیمی، ۱۳۸۰ ش: ۵ / ۸۰)

از فواید دنیوی نصیبی برای کامیابی خویش قرار دهید و تمنیات دل را از راه‌های مشروع برآورید. مراقبت کنید در این کار به مردانگی و شرافتتان آسیب نرسد و دچار اسراف و تندروی نشوید؛ و تفریح و سرگرمی‌های لذت‌بخش، شما را در اداره زندگی یاری می‌کند و با کمک آن در امور دنیای خویش بهتر موفق خواهید شد.

حضرت علی (ع) در نامه خود خطاب به محمدبن ابی‌بکر می‌نویسند:

واعلموا عبادالله أن المتقین ذهبوا بعاجل الدنیا و آجل الآخرة فشاركوا أهل الدنیا فی دنیاهم و لم یشاركوا أهل الدنیا فی آخرتهم سکنوا الدنیا بأفضل ما سکنت و أكلوها بأفضل ما أكلت فحظوا من الدنیا بما حظی به المترفون و أخذوا منها ما أخذه الجبابرة المتکبرون. (نهج البلاغه، ۱۳۸۷ ش: نامه ۲۷)

آگاه باشید ای بندگان خدا! پرهیزکاران از دنیای زودگذر به سلامت گذشتند و آخرت جاودانه را گرفتند، با مردم دنیا در دنیایشان شریک شدند، اما مردم دنیا در آخرت آنها شرکت نکردند. پرهیزکاران در بهترین خانه‌های دنیا سکونت کردند و بهترین خوراکی‌های دنیا را خوردند و همان لذت‌هایی را چشیدند که دنیاداران چشیده بودند و از دنیا بهره گرفتند آن‌گونه که سرکشان و متکبران دنیا بهره‌مند بودند.

حضرت علی (ع) به تفریحات سالمی که انسان می‌تواند از آنها بهره‌برد نیز اشاره

فرمودند:

... تماشای آب گودال‌ها پس از باران، استفاده از زیبایی‌های طبیعت، شناگری و

تیراندازی، شوخی‌های متواضعانه، سوارکاری و قبول هدیه، و نیز استفاده از لذت‌های حلال همچون وسایل تجمل و زیبایی، رنگ‌کردن مو، تهیهٔ خانه، مسکن مناسب، و تهیهٔ پوشاک زیبا و مناسب را در زندگی، امری لازم دانسته و به آن تأکید ورزیده‌اند. (دشتی، ۱۳۷۹ ش: ۶۳-۷۷ و ۱۴۱-۱۱۵)

## ۶. نتیجه‌گیری

دنیاداری، به معنای نحوهٔ ارتباط با دنیا و بهره‌مندی از متاع آن، در دیدگاه امیرالمؤمنین علی (ع) به صورت متعادلی ترسیم شده است. در این نوع از زندگی، از آنجا که دین محور و مدار زندگی قرار دارد، حیات دنیوی در مسیر حیات اخروی قرار می‌گیرد. نگرش صحیح به دنیا که به اتخاذ چنین دنیاداری منجر می‌شود، از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (ع) تنها از مجرای «زهد» امکان‌پذیر است چراکه زاهد به آنچه از دنیا بهره می‌برد، دلبستگی ندارد پس می‌تواند در دنیا با وجود بهره‌مندی از نعمت‌ها و متاع دنیا در مسیر تعالی خود سیر کند. در چنین دنیاداری، همواره به امور دین و دنیا توجه می‌شود اما در صورت تعارض میان دستورات دینی و امور دنیوی، دین بر دنیا ارجح است.

## منابع

قرآن کریم.

بحرانی، سید هاشم (۱۳۷۸ ش). الانصاف فی نص علی‌الائمة، ترجمهٔ هاشم رسولی محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶ ش). تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم: دفتر تبلیغات.

جعفری، محمدتقی (۱۳۷۷ ش). ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

جورداق، جورج (۱۳۷۷ ش). الامام علی صوت العدالة الانسانية، ترجمهٔ ابوالحسن شعرانی، تهران: کتابفروشی اسلامی.

حکیمی و دیگران (۱۳۸۰ ش). الحیاة، ترجمهٔ احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

خرمشاهی، بهاء‌الدین و انصاری، مسعود (۱۳۷۶ ش). پیام پیامبر، تهران: منفرد.

خوانساری، جمال‌الدین محمد (۱۳۶۶ ش). شرح غررالحکم و دررالکلم، تهران: دانشگاه تهران.

دشتی، محمد (۱۳۷۹ ش). امام علی (ع) و تفریحات سالم، قم: مؤسسهٔ فرهنگی و تبلیغاتی امیرالمؤمنین (ع).

رسولی محلاتی، هاشم (۱۴۰۵ ق). زندگانی حضرت امیر (ع)، تهران: انتشارات علمیة اسلامیة.

شوشتری، محمدتقی (۱۳۷۶ ش). بهج‌الصباغه فی شرح نهج‌البلاغه، تهران: امیرکبیر.

- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۴۰۴ق). من لایحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین. طالقانی، محمود (بی تا). اسلام و مالکیت، بی جا: بی تا.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فلسفی، محمد تقی (۱۳۶۸ ش). الحدیث (روایات تربیتی)، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی. کاشف الغطاء، هادی (بی تا). مستدرک نهج البلاغه، بیروت: مکتبه الاندلس.
- مجلسی، محمد باقر (بی تا). بحار الانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مشایخ فریدنی، محمد حسین (۱۳۶۶ ش). نظرات سیاسی در نهج البلاغه، تهران: بنیاد نهج البلاغه. مشکینی، علی (۱۴۲۴ ق). تحریر المواعظ العدیدیه، قم: الهادی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۴ ش). سیری در نهج البلاغه، قم: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵ ش). پیام امام؛ شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۸ ق). انگیزه پیدایش مذاهب، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ناظمی هرنندی، اصغر (۱۳۷۹ ش). «جامعه از دیدگاه نهج البلاغه»، مجموعه مقالات همایش دین و دنیا از منظر امام علی (ع)، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات پزشکی اصفهان.
- نهج البلاغه (۱۳۸۷ ش). ترجمه محمد دشتی، تهران: انتشارات اسلام.
- ورام بن ابی فراس (بی تا). تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، قم: مکتبه فقیه.
- هاشمی خوئی، حبیب الله (۱۳۵۸ ش). منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، تهران: مکتبه الاسلامیه.